



## مطابقت مضامین دعای عرفه امام حسین(ع) با آیات قرآن

منوچهر صدوقی سها، استاد فلسفه و عرفان ضمن اشاره به اینکه برخی محدثین در صحت انتساب ملحقات دعای عرفه تردید کردند، تصریح کرد: برای بنده روشن است این کلام شامخ اصلاً از غیر مقام ولایت نمی‌تواند صادر شود.

منوچهر صدوقی سها، استاد فلسفه و عرفان ضمن اشاره به اینکه برخی محدثین در صحت انتساب ملحقات دعای عرفه تردید کردند، تصریح کرد: برای بنده روشن است این کلام شامخ اصلاً از غیر مقام ولایت نمی‌تواند صادر شود.

به گزارش ایکننا، پنجمین نشست از سلسله نشست‌های «حسینیة حکمت» ظهر امروز دوازدهم مردادماه با سخنرانی منوچهر صدوقی سها، پژوهشگر و استاد فلسفه و عرفان اسلامی با موضوع «جایگاه حکمت در ادعیه حسینی» در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

یک دعایی هست که به امام حسین(ع) نسبت داده شده و به دعای عرفه معروف است. گفته می‌شود حضرت در شب عرفه این دعا را در مکه معظمه بر زبان جاری کردند. دعا دو قسمت است؛ یکی اصل دعا و یکی مقداری که ملحقات دعا نامیده شده است. در مورد اصل دعا بحثی نیست ولی قسمتی که به نام ملحقات معروف شده است تا جایی که ما می‌دانیم توسط سید بن طاووس در قرن هفتم در کتاب اقبال روایت شده است. اقبال هم یکی از متون تراز اول ادعیه است. برخی محدثین در صحت انتساب ملحقات اشکال وارد کردند. یکی از مشاهیر محدثین صراحتاً بعد از نقل ملحقات می‌گوید لحن این دعا لحن ائمه ما نیست. این حرف بسیار عجیب است.

قسمتی که مورد بحث ماست این عبارات است؛ در بخشی از ملحقات چنین می‌آید: «إِلَهِي تَرَدَدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَرَارِ، قَاجَمَعْنِي عَلَيْكَ يَخْدُمَةُ تُوصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِعَبْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الْأَتَى تُوصِلُ إِلَيْكَ عَمِيَّتَ عَيْنٍ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَخَسِرْتَ صَفْقَةَ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حَيْكَ تَصِيْبًا».

مطالبی که در این فقرات شریف است بدین صورت است؛ خدایا تردد در آثار، یعنی تامل در آثار تو موجب می‌شود از ساحت زیارت دور بیفتم، کاری کن که خدمت من چنان یگانه باشد که مرا از خودت به تو برساند. چگونه می‌شود بر وجودت استدلال شود با چیزی که در وجودش نیازمند تو است. آیا برای غیر از تو ظهوری هست که برای تو نیست تا آن آثار تو را اثبات کنند. تو کی غایب شدی که محتاج دلیلی باشی که بر تو دلالت کند. کی از من دور شدی که آثار تو مرا به تو برساند. کور است چشمی که تو را نمی‌بیند و خسران است سود معامله بنده ای که نصیبی از حب تو ندارد... این جملات شریف هر کدامشان چندین صفحه حرف لازم دارند.

دفاع از اعتبار سندی ملحقات دعای عرفه

گفتم برخی محدثین در صحت انتساب ملحقات تردید کرده اند. باید عرض کنم یکی از مصطلحات شایع و مطرح در حدیث، عنوان حدیث صحیح و غیر صحیح است. احادیث را به اعتبارات مختلف تقسیم می‌کنند که در راس آنها حدیث صحیح است. حدیث صحیح دو اصطلاح دارد؛ صحیح به اصطلاح قدما و حدیث به اصطلاح متأخرین. مبدأ تقسیم، سید بن طاووس و علامه حلی هستند. وقتی محدثین قبل از سید بن طاووس می‌گویند فلان حدیث صحیح است یک معنا اعتبار می‌کنند، وقتی محدثین بعد از سید بن طاووس می‌گویند فلان حدیث صحیح است معنای دیگری اعتبار می‌کنند.

از نظر متأخرین باید سلسله روایت متصل باشند، تمام آحاد سلسله شیعه اثنی عشری باشند، تمام سلسله متصل شیعی عادل باشند تا یک روایت صحیح تلقی شود. نتیجه اینکه در اصطلاح متأخرین وقتی گفته می‌شود فلان حدیث صحیح است یعنی سلسله روایت متصل است، تمام آنها شیعه هستند و عادل هستند. اگر چنین حدیثی پیدا شد در اصطلاح متأخرین صحیح است. در اصطلاح متقدمین حدیث صحیح، حدیثی است که با امارات تصحیح شده باشد. به عبارت دیگر ملاک تصحیح، امارات است یعنی متن حدیث را با احادیث دیگر تصحیح می‌کنند. محدثین می‌گویند متن، مصحح سند است. برخی احادیث اصلاً سند ندارد اما امارات اثبات می‌کنند این حدیث صحیح است.

مطابق اصطلاح متقدمین ملحقات دعای عرفه صحیح است. سید بن طاووس که این ملحقات را نقل کرده سند ارائه نکرده است ولی اهلش می‌گویند این ملحقات مبتنی بر قرائن حالیه و مقالیه است و خود حدیث و عبارات حدیث مصحح سند است یعنی ما قطع پیدا می‌کنیم این کلام، کلام معصوم است. مطلب دیگر این است که این اواخر مد شده این ملحقات را به شاذلی نسبت

دهند. شاذل از سادات حسنی است. به نظر من این کلام، کلام غیر معصوم نیست که برای شاذلی یا غیر شاذلی باشد. برای بنده روشن است این کلام شامخ اصلا از غیر مقام ولایت نمی تواند صادر شود. عطر کلام ولوی از این کلام شامخ استشمام می شود؛ اینها مقدمات بود.

چند مسئله را در حد اشاره می خواهم عنوان کنم. یکی از ادله ای که در مقام اثبات واجب در ساحت فلسفه اقامه می شود و اصلش اسلامی است، برهان وجودی است. اصل برهان این است که حد وسط در برهان خود حق تعالی است. این برهان که به نام برهان صدیقین نامیده می شود در قرآن کریم و احادیث ولوی موج می زند. از این جهت این دعای شریف درست مطابق آیات شریفه است. قرآن می فرماید: «شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ». متأسفانه مترجمین قرآن «شهد» را به معنای شهادت فقهی حقوقی می گیرند یعنی خدا گواهی می دهد. خدا به چه گواهی می دهد؟ این کلام یعنی چه؟ شهادت در اینجا به معنای شهود است همانطور که سید بحرالعلوم می گوید در تشهد نماز، منظور از «اشهد» شهود است.

آیه دیگر می فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عََلِيَّةً دَلِيلًا». من سوال می کنم وقتی ما سایه را می بینیم و به سایه نگاه می کنیم خود سایه را می بینیم یا خدایی که سایه را گسترانیده است؟ طبیعتا خود سایه را می بینیم. در مرتبه دوم خدا را می بینیم. این در حالی است که آیه دقیقا عکس این مطلب را می گوید. می گوید خدا را نمی بینی که چطور آیه را گسترانده است؟ یعنی قبل از اینکه سایه را ببینی خدا را می بینی. این درست مفاد این دعای شریف است و از این جهت، مفاد دعا مطابق با آیات قرآن کریم است.